

اصلاح نظام اطلاع رسانی ، یا ترویج فرهنگ مطالعه و تحقیق ؟

فصلنامه اطلاع رسانی. دوره ۱۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۳

حسن منتصب مجابی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی

کلید واژه ها :

• عادت به مطالعه * تحقیق * نظام آموزشی * اطلاع رسانی

چکیده :

سالهاست که از مشکلات موجود در نظام اطلاع رسانی و کتابخانه های کشور صحبت می شود. و این امر ، به عنوان مانع اصلی برای پیشرفت روند تحقیق و پژوهش معرفی می گردد . مقالات فراوان اما پراکنده ای در این زمینه ، در نشریات مختلف به نگارش در آمده و حتی در سمینارهای چندی مانند : سمینار کتاب و کتابداری در سال ۱۳۶۰ در دانشگاه مشهد ، سمینار کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی در سال ۱۳۶۷ در دانشگاه علوم پزشکی مشهد ، سمینار کاربردی مراکز و سازمانهای پژوهش فرهنگی و اطلاع رسانی در سال ۱۳۶۹ در تهران (توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ، سمینار کتابداری در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه مشهد ، و غیره برگزار گردیده ؛ اما مشکلات همچنان به قوت خود باقی است و چه بسا بیشتر هم شده است . دلیل عمده این وضعیت ، آن است که ضعف در سیستم اطلاع رسانی ، خود نه تنها مسئله اصلی محسوب نمی شود ؛ بلکه صرفاً يك معلول است و مشکل در درجه اول ، نه از مراکز اطلاع رسانی ، که از ضعف در فرهنگ مطالعه و تحقیق در جامعه ما نشات می گیرد و کمی و کاستیها ریشه در آن دارد . و در واقع ، همین نکته مهم است که باید در ابتدا مورد توجه قرار گیرد . در این مقاله ، سعی شده است ریشه های ضعف در فرهنگ مطالعه و تحقیق و ارتباط آن با نظام اطلاع رسانی مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گیرد .

من در اینجا به عنوان یکی از دست اندرکاران کتابخانه های دانشگاهی که بیست و چند سال است با این گونه کتابخانه ها ارتباط نزدیک دارم ، می خواهم برای اولین بار اعلام کنم که : با توجه به نیاز و تقاضا ، عرضه کتابخانه های ما بسیار خوب بوده و در حد کاملاً قابل قبولی است ! ما از جهت کمبود کتابخانه و مراکز اطلاعاتی و منابع تحقیق ایدا مشکل نداریم ! این همه شکوه ها از کمبود ، بدون توجه به نیاز مراجعان و متقاضیان اطلاعات از کتابخانه ها نوشته شده و اصلاً درد دل واقعی اکثریت قریب به اتفاق جامعه ما نیست ؛ بلکه همه دردهای فرضی است - دردهایی که نه مال مردم بلکه مال نویسندگان این مقاله ها است و شاید هم مال خود آنها نباشد ؛ بلکه به نیابت و با تصور ذهنی از خواست مردم ، چنین مطالبی را به نگارش درآورده اند ! اصولاً کتابخانه های ما ، در عرصه " عرضه و تقاضا " گاهی حتی بیش از تقاضا و نیاز عرضه کرده اند ، به خاطر همین مسئله اگر از دیدگاه اقتصادی صرف به آن نگاه کنیم " اسراف " هم کرده اند ، به جای آنکه متهم به تعلل و رکود شوند به ولخرجی و عرضه بیش از نیاز هم متهم هستند !

از بیان حقایق فوق آن هم از يك آشنای با کتابخانه های امروز ، تعجب نکنید و به شگفت نیابید ، زیرا اگر از لایه اظهار نظرهای رایج و کلاسیک و يك شکل - که بارها و بارها شنیده ایم و هیچ کدام هم مشکلی را حل نکرده - بگذریم و به عمق واقعیات برسیم ، از چنین ادعایی دیگر تعجب نخواهیم کرد . و چگونه تعجب کنیم که : به عیان می بینیم میلیونها دانش آموز درس می خوانند و دیپلم می گیرند ، بدون آنکه نیازی به مراجعه به کتابخانه ای داشته باشند . هزاران آموزگار و دبیر همه روزه تدریس می کنند ، بدون آنکه سالی يك بار از کتابخانه ای گذر کنند . صدها هزار دیپلمه ، هرسال در کنکور دانشگاهها شرکت می کنند و هزاران نفر از آنها نیز در امتحانات آن قبول می شوند . درحالیکه اکثریت آنها حتی در تمام عمرشان از کتابخانه ای استفاده نکرده اند . هزاران دانشجو در دانشگاههای کشور مشغول تحصیل اند که اکثر آنها با کتابخانه کاری ندارند و آنهايي هم که مراجعه میکنند ، یا برای خواندن جزوه درسی شخصی است ، و یا برای استفاده از چند کتاب محدود درسی که به وفور و به تعداد مکرر در کتابخانه دانشکده موجود است . این جریان ، حتی به شکلی در میان استادان دانشگاهها - اگر که از استثناء نمی تواند به عنوان قاعده به حساب آید - نیز کم و بیش دیده می شود .

اینجانب خود ، بارها شاهد بوده ام که برخی از اعضاء هیئت علمی ، پس از پا فشاری زیاد برای سفارش و خرید سریع نشریه و یا کتابی علمی از خارج توسط کتابخانه ، پس از رسیدن آن ، خود هیچ گاه به سراغ آن نیامده اند - تا چه رسد به دیگران ! و در چنین اوضاع و احوالی ، نه تنها دانشجویان با الفبای تحقیق آشنایی ندارند ؛ بلکه حتی کم نیستند استادانی که آنها نیز با امر تحقیق بیگانه اند .

با این اوصاف ، آیا هنوز باید بگوییم که کتابخانه های ما مشکل دارند ؟ میزان مراجعه با سوادان ما به مراکز اطلاع رسانی این چنین است . بیسوادان - که اکثریت افراد جامعه را تشکیل می دهند - که واقعا نمی توانند کاری با

کتابخانه داشته باشند .

زمانی که می بینیم دانشگاههایی حتی بدون داشتن کتابخانه شروع به کار می کنند ، دانشجو آموزش می دهند ، باید قبول کنیم که اگر بالاترین مراکز آموزشی به این نحو از خدمات کتابخانه ای و کتابخانه بی نیازند ، ما کتابداران یا دست اندر کاران مراکز اطلاع رسانی به منزله " کاسه های " داغتر از " آتش " خواهیم بود . اگر سخن از کمبودها و کاستیهای آن به میان آوریم و ناله و شکوه سر دهیم ، و بیخود نیست که کسی هم به این انتقادات توجه نمی کند و اصلاً گوش شنوایی برای آن پیدا نمی شود و به عبارت دیگر ، خود می گوئیم و خود هم می شنویم و سخن فراتر از این هم نمی رود .

مگر غیر از این است که ما آشنایان با امور کتابخانه ، چه بسا دیده ایم حتی زمانی که تنها متخصص امور اطلاع رسانی و کتابداری یک دانشگاه - که عهده دار و مسئول اداره کتابخانه های آن بوده - بدون دلیلی توسط مسئولان دانشگاه برکنار می شود و فردی کاملاً ناآشنا و بدون اطلاع از این فن به جایش گذاشته می شود . اصلاً آب از آب تکان نمی خورد ؛ نه کوچکترین خللی ، در امر آموزش دانشگاه به وجود می آورد و نه کمترین ضایعه ای در امر پژوهش (اگر که واقعا وجود داشته باشد) ؛ نه دانشجویی متوجه این تغییر می شود و نه حتی اسنادی دچار مشکل می گردد . و این چنین است که ، بودجه فراوانی که صرف تأسیس و راه اندازی این کتابخانه ها ، از جهت ساختمان و تجهیزات ، حقوق پرسنل ، خرید مواد و منابع و غیره می شود (حتی در حد موجود) ، اکثراً هرز می رود و بازده اش ، بسیار کمتر از سرمایه گذاری برای آن است .

بنابراین ، مشکل بنیادی را ، نه در نظام اطلاع رسانی ، بلکه در پدیده دیگری که علت آن محسوب می شود ، یعنی فرهنگ مطالعه و تحقیق در جامعه ، باید جستجو نمود که منشا همه مشکلات در این زمینه است . زیرا که اگر کم کاری کبد به صورت لك صورت پدیدار گردد ، راه معالجه آن استفاده از کرم ضد لك نیست ؛ بلکه چاره اساسی رفع مشکل کبد است .

در زمان ما ، علی رغم کوششهای گوناگونی که برای باسواد کردن مردم صورت می گیرد ، هنوز خیل عظیمی از مردم کشور ما را افراد بی سواد تشکیل می دهد . " تمدن امروز رشد اجتماعی را به مقیاس وسیع مدیون سطح دانش عمومی می پندارد . بر اساس این باور نسبت با سواد جمعیت به عنوان یکی از مظاهر پیشرفت مورد توجه است ... خواندن و نوشتن اولین و ساده ترین وسیله رشد فکری است و تعمیم آن منشا رشد و توسعه اجتماعی است . آنجا که بیسوادی ، به صورت پدیده غالب ، اکثریت افراد جامعه را در برمی گیرد ، بی خبری نیز مشخصترین ویژگی جمعی است و در بی خبری ، هیچگونه رشد و تعالی نمی توان یافت ... در دنیای امروز ، نسبت باسوادی جامعه به عنوان یکی از شاخصهای رشد و توسعه شناخته می شود " ۱

بعد از مشکل بزرگ بی سواد ، مشکل نوسوادان به چشم می خورد . این گروه که با زحمات زیاد و صرف بودجه ای قابل توجه ، در جریان سوادآموزی ، خواندن و نوشتن رایاد می گیرند ، عملاً مواد خواندنی مورد نیاز خود را در اختیار ندارند و اگر پس از گذشت زمان ، آنچه را که یاد گرفته اند فراموش نکنند ، حداقل در جرگه کسانی قرار می گیرند که دارای سوادی مرده و غیر قابل تحرك اند و آن طور که انتظار می رود از این سواد بهره ای نخواهند برد . از طرفی در طبقه باسواد و تحصیل کرده نیز ، همان طور که اشاره شد ، نه اقبالی جدی به مطالعه وجود دارد و نه احساس نیاز و نه عادت به آن . و این در حالی است که : " ما در عصر اطلاعات زندگی می کنیم . اطلاعات تولید شده در جهان ، به قدری زیاد است که ما را با " انفجار اطلاعات " ، " آلودگی اطلاعات " و " رشد بیش از حد اطلاعات " مواجه ساخته است . تخمین زده می شود که هر ساله تنها نزدیک به ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار گزارش تحقیق در دنیا منتشر می شود . و این رشد شتابان ، همچنان ادامه دارد . چکیده نوشته های مربوط به علوم شیمی " Chemical Abstract " " قریب ۴۵۰/۰۰۰ قلم در هر سال است . چکیده نوشته های علوم زیستی " Biological Abst " 000/250 ، چکیده نوشته های مربوط به علوم فیزیک " Physics Anstracts " 000/165 ، چکیده نوشته های علوم مهندسی " Engineering Index " به حدود ۱۰۵/۰۰۰ در سال می رسد " . ۲ " در هر سال فقط در زمینه علوم و تکنولوژی متجاوز از یک میلیون و پانصد هزار مقاله معتبر ، در پنجاه و پنج هزار نشریه ادواری منتشر می شود . عصر ما را دوران " انفجار انتشارات " و " انقلاب اطلاعات " می خوانند . پیشفراوان این عصر جدید ، محققان ، نویسندگان ، مترجمان ، ناشران ، کارگزاران و متخصصان چاپ ، متخصصان ارتباطات و کامپیوتر و همچنین کتابداران دکومانتالیستها ، اطلاع رسانان و آرشیویستها هستند . سرمایه و نیروی فکر و کار بسیار زیادی برای سازماندهی ، انباشت و بازیابی اطلاعات صرف می گردد . تا آنجا که شاخص عقب ماندگی و پیشرفت جوامع بشری از میزان درآمد سرانه ، به میزان اطلاعات سازمان یافته و قابل دسترسی در جامعه تبدیل شده ایت . در استفاده از اطلاعات از همه مهمتر آماده سازی محیط اجتماعی - فرهنگی و آموزش افراد است که نباید از آن غافل ماند " . ۳

بنابراین ، در چنین شرایطی از زمان ، با توجه به گسترش و اهمیت روزافزون اطلاعات علمی و نیاز به استفاده از آن ، و برای آماده کردن و مستعد نمودن زمینه بهره وری از این اطلاعات ، و ایجاد احساس نیاز واقعی به آن ، قبل از همه به یک برنامه ریزی وسیع و حساب شده در جهت ترویج فرهنگ مطالعه و تحقیق نیاز داریم که در اینجا ، فقط به صورت

بسیار مختصر و فهرستوار ، به رئوس آن اشاره می شود :

الف . انجام تغییرات لازم در نظام آموزشی مدارس ، بدانگونه که مطالعه کتابهای جنبی و انجام تحقیقات ابتدایی جزو برنامه موظف درسی دانش آموزان قرار گیرد . و در این ارتباط ، کتابهای سودمند مناسبی در زمینه های موضوعی متنوع به طور گسترده و با استفاده از آخرین روشها و تکنیکهای فنی و علمی برای هر سطح و هر کلاس ، تالیف و انتشار یافته و در کتابخانه هر مدرسه در اختیار دانش آموزان قرار گیرد ؛

ب . آموزش روشهای ساده و عملی کتابداری به " کتابدار - معلم " های تمامی مدارس هر شهر و منطقه ، در خلال تعطیلات تابستان ؛

ج . روش استفاده از کتاب و کتابخانه و انجام تحقیقات ابتدایی ، به عنوان یک کتاب درسی تدوین و به دانش آموزان ارائه شده و برای هر درس تعیین گردد . و در این میان ، کوشش به عمل آید که با استفاده از تجربیات علمی ، دانش آموز نه فقط یک کار اجباری و موظف درسی ، بلکه با علاقه و انگیزه به مطالعه و تحقیق روآور گردد ؛

د . به امر تحقیق و پژوهش در دانشگاهها و مراکز پژوهشی توجه بسیار جدیتر مبذول ، و برنامه های موظف تحقیقاتی و نیز درس " آشنایی با کتابخانه و روش تحقیق " در برنامه درسی کلیه رشته های دانشگاه گنجانیده شود ؛

ه . برای نظام تحقیقات در کشور ، با جمع آوری و استفاده از نظریات و تجربیات کلیه محققان و پژوهشگران ، در طی سمینارهای تخصصی و مستمر و جدی و با پشتوانه اجرایی ، برنامه ریزی جامع و مدونی به عمل آمده تا بدان وسیله :

۱. اولویتها را در این زمینه شناسایی و معرفی نماید .

۲. مانع کارهای تکراری و موازی در تحقق گردد .

۳. مشوق تحقیق و پژوهش و رواج فرهنگ آن شود .

۴. شبکه ای منسجم و فعال در امر پژوهش را پایه گذاری نماید .

۵. با رشد وشکوفایی تحقیق و پژوهش و در نتیجه ایجاد نیاز روزافزون و واقعی به مراکز اطلاع رسانی ، همزمان به طور جدی به گسترش این مراکز اقدام نموده و برای رفع مشکلات آنها درجهت ارائه خدمات مورد تقاضا به پژوهشگران چاره اندیشی اساسی نماید .

۶. از آنجا که در اکثر رشته ها هر گونه پژوهش بنیادی ، به اطلاعات وسیع در سطح جهانی نیاز دارد با استفاده از تکنولوژی پیشرفته اطلاع رسانی ، ارتباط محققان داخلی را با آخرین فعالیتهای انجام شده و داده های علمی در آن زمینه در دنیا برقرار نماید .

۷. رهبری و ترویج امر پژوهش و حمایت از پژوهشگران را با فراهم آوردن امکانات تحقیق به جای مدرک گرایی در دانشگاهها و به طور کلی ایجاد انگیزه های لازم برای انجام پژوهش در میان جامعه تحصیل کرده مملکت ، بر عهده گیرد .

۸. و بالاخره با انتشار مرتب نشریات نقد کتاب و آثار تحقیقی ، معرفی و تشویق فعالیتهای پیشرفته پژوهشی ، اخبار و رویدادهای پژوهشی و غیره علاقه مندان به تحقیق را در جریان این گونه مسائل قرار دهد .

و در پایان ، چکیده عرایض را به طور خلاصه در این بیت شعر بیان می کنم که :

آب کم جو تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالاو پست

ارجاعات

۱ - محمد طاهر ، مسائل آموزش و پرورش (تهران : امیر کبیر ، ۱۳۶۴) .

۲ - محمد تقی مهدوی ، مدیریت اطلاعات (تهران : مرکز اسناد و مدارک علمی ، ۱۳۶۸) .

۳ - فصلنامه کتاب ، نشریه کتابخانه ملی ایران ، شماره اول (بهار ۱۳۶۹) ص ۳ و ۴ .